وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره پنجم دوشنبه ۱۱ قوس ۱۳۸۱ - ۲۷ رمضان المبارک ۱۴۲۳ - ۲ December ۲۰۰۲

"مجاهد" حلول عید سعید فطر را به همه شهروندان متدین کشور تبریک و تهنیت می گوید

پروفیسور برهان الدین ربانی حین بازگشت به وطن از سوی هزاران نفر پذیرایی شدند

استاد درخطاب به مستقبلان:

رسالت و مسوولیت ملی و دینی مردم ما به پایان نرسیده، هنوز فاصله یی درازی در پیش داریم، هنوز مدوجذرهای زیادی در انتظار است، همهٔ ما، همهٔ مردم ما به خاطر حفظ دستاورد جهاد، به خاطر تأمین امنیت، ثبات سیاسی، به خاطر استقلال و آزادی، باید احساس مسوولیت بکنیم.

صفحه سوم





متن پیام پروفیسور برهان الدین ربانی به مناسبت عیدسعید فطر

بسم الله الرحمن الرحیم

هموطنان متدین، خواهران وبرادران!

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

حلول ایام سعید عید فطر را به شما تبریک میگویم، ایزد منان را سپاس گزارم که کابوس وحشتناک جنگ و سپاه جهل و جنایت و لانه های ترور و اختناق را در کشور ما ناپدید ساخت، ملت ما اکنون وارد مرحله یی جدید از حیات سیاسی و اجتماعی خود گردیده است ، حوادث اسفبار یازده ستامبر جهان را تکان داد و اهمیت افغانستان در حیات صلح و امنیت منطقه و جهان مورد توجه جامعهء جهانی قرار گرفت، و همزمان با این وضع نقش ملت با شهامت و بخصوص جبههء جهاد ومقاومت و پایمردی فرزندان اصیل و با صلابت آن که در راه دفاع از آزادی و استقلال وصلح و امنیت سنگین ترین تلفات را متحمل گردیده بودند یک بار دیگر درخشندگی بیشتر یافت

در ایام مبارک به روان گرامی فرزندان این سرزمین که جانهای شیرین خود را از دست داده اند درود می فرستم و از شهامت وپایمردی دلاور مردان مجاهد کشور به تمجید یاد می کنم.

گر چه افغانستان بعد از فراموشی مرگ بار اخیراً محراق توجه جامعهء جهانی قرار گرفت، اما یک سالی که بر اجلاس بن می گذرد و با آن شور و غوغایی که وعده های بازسازی داده شده بود آثار عملی آن کمتر به چشم می خورد، این که تا چه حد کشور ها به وعده های خود عمل می کنند این را به قضاوت و احوال و ضمیرخودشان می گذاریم. ص٦

جنگنده های امریکایی برای اولین بار درغرب کشور خطوط مقدم جنگ را بمباردمان کردند

با گذشت یک سال وچند ماهی از سقوط حاکمیت طالبان در کشور هنوز تنش هایی در مناطق مختلف کشور میان نیروهای رقیب جریان دارد یکی از این نقاط آسیب پذیر مناطق اطراف شیندند می باشد.

درشیندند بقایای طالبان تحت فرماندهی امان الله بارها در راه تحکیم امنیت و ثبات در منطقه تهدیدی بوده اند و تا حال چندین بار بالای نیروهای دولتی تحت فرماندهی ژنرال اسماعیل خان یورش برده اند.

بر اساس گزارش رادیوی آزادی، اخیراً نیروهای فرمانده امان الله به خاطر تصرف مقر ولسوالی شیندند دست به تهاجمی بالای نیروهای دولتی مستقر در منطقه زدند، که در حملهء متقابل نیروهای دولتی تحت فرماندهی اسماعیل خان توانستند شیندند و قله های مشرف بر آن را تحت تسلط خود در آورند.

در جریان این جنگ، جنگنده های جت وB ۵۲ امریکایی خطوط مقدم جبهه را به شدت بمباری نموده اند.

پروژه شهرک سبز افتتاح گردید

در محفلی که در ۹ قوس به این مناسبت در تالار وزارت امور داخله برگذار گردیده بود، محمد یونس قانونی وزیر معارف و محمد یوسف پشتون وزیر شهرسازی ومسکن و محمد انور جگدلک کابل شاروال و احمد ولی مسعود سفیر افغانستان در لندن و تعدادی از کارمندان عرصه های ساختمانی و مهندسی اشتراک داشتند.

این شهرک نخستین پروژه رهایشی میباشد که به شکل عصری اعمار میگردد.

امور ساختمان این پروژه توسط موسسه بازسازی و خدماتی کشوربه همکاری انجمن بازسازان افغانستان که یک نهاد بین المللی می باشد پیش برده می شود. ص۸



در صفحات داخل می خوانید

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: پروفیسور برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشید

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل– چار راهی زنبق

شماره های تلفن:

همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹

دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹

سرمقاله

دموکراسی منهای پارلمان؟!

نظام کنونی افغانستان از لحاظ حقوقی تکیه بر موافقتنامهٔ بن دارد، موافقتنامهٔ بن به تصریح، قانون اساسی سال ۱۳۴۳ را به جز احکام وابسته به شاه به عنوان مرجع قانونی کارنامه های دولت می شناسد.

این قانون از آن جا برای این مرحله مرجعیت پیدا کرد که گویا خیلی با روح دموکراسی همخوانی دارد وهم می تواند تاحدی افغانستان نوین را در تحقق بخشیدن به شعارهای ایجاد جامعهٔ مدنی و نظام دموکراسی و مردم سالار که جان مایهٔ موافقتنامهٔ کنفرانس بن است ، یاری رساند .

برپایهٔ موافقتنامهٔ بن ، لویه جرگه اضطراری به میان آمد تا این روند دموکراسی را شتاب بخشد وحکومت انتقالی در فرایند آن را به ساختار و ارزشهای نظامهای دموکراتیک نزدیکتر کند.

توانمندی و تفکیک قوای سه گانه، تفنینی و قضایی و اجرایی از ویژگیهای اساسی نظام دموکراسی است، به همین دلیل در اثنای برگزاری انتخابات لویه جرگهٔ اضطراری بر اهمیت و ضرورت ایجاد نهاد های آنها تاکید فراوان صورت می پذیرفت، خاصه بر تشکیل شورای ملی به عنوان مظهر قوهٔ تقنینی در پی تشکیل لویه جرگه بسیار تأکید می شد. تا آخرین مرحله از سوی رئیس لویه جرگه و مسؤولان دیگر دولتی و دست اند رکاران خارجی آن با دهن پارگی از ضرورت آن سخن گفته می شد. اما وقتی گردانندگان لویه جرگه دیدند که شاید ایجاد شورای ملی به گونهٔ انتخاباتی و دموکراتیک از میان نمایندگان لویه جرگه در جهت خواسته های ویژهٔ آنان کار ساز نیست به لطایف الحیلی سد راه به میان آمدن ان گردیدند

همگان شاهد بودند که نما یندگان لویه جرگه در باره کیفیت گزینش و شمار اعضای شورای ملی بر دونظر قرارداشتند که آیا نمایندگان این شورا برپایه تناسب نمایندگان هر ولایت درلویه جرگه انتخاب شوند یا بر اساس تعداد و لایات که باید قول فصل د ر این باب را رئیس لویه جرگه با اجرای رأی گیری به گونهٔ دمکراتیک مشخص می ساخت ، اما رئیس لویه جرگه پس از تصمیم به انجام این کار، ناگهان کار رای گیری را در این باره به تعویق انداخت و تشکیل شورای ملی را تا امروز بی سر انجام گذاشت.

شاید قوی ترین دلیل این به تاخیر انداختن تشکیل شورای ملی احتمال برنده شدن یک جهرهٔ غیر مطلوب برای حلقه های به خصوص درونی ومتولیان بیرونی بود که می سزید به بهای آن همه ارزشهای مورد ادعای دموکراسی را قربانی کنند.

حکومت انتقالی تقریباً یک سوم از عمرخود را درحالی می گذراندکه از نهادی پایه به نام شورا درآن خبری نیست.

آیا نظامی بدون شورا وپارلمان می تواند ادعای بلند بالای دموکراتیک بودن داشته باشد؟!

به دلیل نبودن همین شورا ست که دولت بسیاری از برنامه ها و کارنامه هایش را لاجرم به گونهٔ نظامهای توتالیترو استبدادی باید انجام دهد واز نظارت مردم در آن بیمی نداشته باشد.

و ا گر چنین نیست پس کارهای ویژه صلاحیت های شورا در قانون اساسی ۱۳۴۳ را چگونه انجام می دهند؟

مگر این قانون اساسی به گونهٔ مثال نشر پول را از صلاحیتهای ویژهٔ شورا نمی داند؟ و حکومت را در برابر شورای ملی (ولسی جرگه) مسؤول نمی خواند؟ و مگر از صلاحیت های قانونی شورای ملی این نیست که رئیس حکومت و تک تک وزیران آن را مورد بازپرس قرار دهد و آنان در برابر اعضای آن مکلف به پاسخ گویی باشند ؟ اینها وده ها مورد دیگر از قانون اساسی به دلیل نبودن شورا بی کاربرد مانده و یا خلاف آن عمل شده است. ص۷

نقش تخصص در بازسازی کشور

وحید مژده

بدون تردید بازسازی یک کشور جنگ زده و ویران شده امری است که نیاز به افراد متخصص دارد. تجربهٔ اروپای بعد از جنگ جهانی دوم در امر بازسازی گواه بارز این امر است. در جریان جنگ جهانی دوم اروپا میدان اصلی جنگ بود. بعد از جنگ بر اساس پلان مارشال، کار بازسازی اروپا آغاز گردید که کمک دهندهٔ اصلی بازسازی ایالات متحدهٔ امریکا بود.

پلان مارشال توانست در مدتی کوتاه مشکلات کشور های جنگ زدهٔ اروپا را برطرف سازد، زیرا کمک های مالی خارجی و تخصص کارمندان فنی در کشورهای جنگ زده دست بدست هم دادند و کار بازسازی را به موفقیت به پیش بردند و این حقیقت بار دیگر به اثبات رسید که تنها کمک مالی قادر به پیشرفت اقتصادی نیست. این پروسه نیاز به افراد متخصص و کاردان داخلی نیز دارد تا بتواند امکانات مالی را بشکل موثر آن در جهت پیشرفت اقتصادی بکار اندازد.

تجربهٔ دیگری که بعد از پلان مارشال در مورد کمک به کشورهای جهان سوم بدست آمد، نشان داد که در کشورهایی که کارمندان فنی و تخنیکی کم است و در نتیجه دانش استفاده از تکنولوژی های جدید در سطح پایین قرار دارد، کمک های پولی و اسعاری گره کشای مشکل نخواهد بود. سی سال قبل یک عالم اقتصاد نظر داده است که اگر همهٔ کارخانه های مانچستر انگلستان را به یکی از کشورهای جهان سوم منتقل سازیم این کارخانه ها از تولید باز خواهند ماند، زیرا دانشی که قادر به بکار اندازی و ادارهٔ این کارخانه ها باشد، در جهان سوم وجود ندارد.

کمک به کشورهای جهان سوم به پیروی از پلان شبیه به پلان مارشال نتیجه یی را از آنگونه که در اروپای بعد از جنگ دیده شد بار نیاورد و دلیل آن نبود کادر فنی لازم در کشورهای عقب مانده بود. لازم به تذکر است که وجود متخصصین خارجی هرگز نمیتواند جای خالی متخصصین داخلی را پرکند، زیرا گذشته از اینکه معاش و هزینهٔ یک متخصص خارجی بعلت گران بودن، مخارج پروژه ها را بلند می برد، دلسوزی و اخلاصی را که یک متخصص داخلی در مورد کشور خود دارد در متخصص خارجی نمیتوان سراغ نمود. این مسأله گذشته از اینکه تاثیر اقتصادی دارد، تاثیرات روانی آن را نیز نمیتوان نا دیده گرفت.

در رابطه به بازسازی کشور ما نیز همین مسأله مورد توجه است. در طول اضافه از دو دهه جنگ و بی سروسامانی در کشور ما تقریباً فیصدی بزرگی از متخصصین ما مجبور به ترک کشور گردیدند و اکنون همه سازمانهای بین المللی و هم دولت انتقالی اسلامی افغانستان در تلاش بازگردانیدن و جذب متخصصین افغان مقیم خارج از کشور می باشند.

باز گردانیدن این سرمایهٔ بزرگ ملی به کشور کاری چندان اسان هم نیست. بسیاری از این افراد بعلت زندگی طولانی در کشور های غربی برای زندگی در کشور چون افغانستان که حتی در پایتخت آن شرایط زندگی به سویه بسیار ابتدایی در مقایسه با کشور های غربی نیز مساعد نیست مشکل است و آنهایی هم که بر می گردند وآرزوی خدمت به کشور خود را دارند نسل آخری اند که چنین احساسی را دارند. نسل جوانتر که در غرب تربیه شده اند هیچ خاطره یی از کشور خود ندارند و نمیتوان از آنان انتظار داشت که افغانستان را برای کار و حتی اقامت موقتی برگزینند. بنابر این وقتی صحبت از بازگشت متخصصین از خارج بمیان می آید ما با نسلی سروکار داریم که سن و سال کار آنان تقریباً سپری شده است، ولی اینکه چنین اشخاص باز هم احساس دوستی وطن دارند و شایق خدمت اند، باید از آنان تقدیر نمود.

نکتهٔ دیگری که باید دولت انتقالی اسلامی افغانستان به آن جداً متوجه باشد اینست که هرکسی را که از غرب به کشور بر میگردد نباید بعنوان متخصص بشناسد. ماکسانی را می شناسیم که بطور مثال بیست سال قبل در افغانستان بعنوان متخصص در یک بخش مصروف کار بودند و بعد کشور را ترک کردند. آنها در طول بیست سال اقامت در خارج در رشتهٔ تخصصی خود مصروف کار نبودند. بعضی از این افراد اساساً کاری مطابق میل و تخصص خود نیافتند، باپول (سوسیال) زندگی کردند و یا در یکی از پوهنتون های خارجی به صفت استاد زبان دری یا پشتو یا معادل استاد ایفای وظیفه می نمودند، سپردن یک عهدهٔ بسیار مهم که نیاز به متخصص ورزیده دارد به چنین اشخاص هیچ گرهی از مشکلات کشور را باز نخواهد کرد. در کشورهای غربی وقتی یک متخصص ورزیده نظر به دلیل مدت یکسال بیکار بماند برایش بسیار مشکل خواهد بود تا بار دیگر در همان رشته کاری برای خود بیابد زیرا پیشرفت علم و تخنیک بحدی است که وقتی یک متخصص یکسال از رشتهٔ تخصصی خود بدور بماند در حقیقت یکسال از کاروان پیشرفت علم و تکنولوژی عقب مانده است.

در حالی که در افغانستان ماکسانی را داریم که از غرب آمده اند و در مدت اقامت در غرب به کارهای ساده یی چون کار در هوتل و یا کپی کشی موتر مصروف بودند و اکنون در افغانستان با توجه به کار بیست سال قبل آنان به آنان وظایف مهمی سپرده شده است.

مردم از دولت انتقالی اسلامی انتظار دارند تا همانگونه که در ابتدا وعده داده شده بود کار را به اهل کار بسپارند، ولی این نیز درست نیست که هرکسی را که از غرب بر می گردد اهل کار بشناسیم. در ابتدا باید این مسأله مشخص گردد که شخص در کشور خارجی به چه شغلی مصروف بوده است. حد اقل معلومات در مورد پنج سال اخیر وضع شغلی این افراد باید در دست باشد و نیز این نکته بسیار اهمیت دارد که مشخص گردد آخرین معاشی که فرد مذکور از محل کار خود در خارج دریافت می نمود چقدر بوده است؟

درست نیست کسیکه در خارج بعنوان مثال ده هزار دالر معاش داشته است در افغانستان برایش معاش بسیار اندک پیشنهاد گردد همانطوری که غیر عادلانه خواهد بود اگر به کسی که در خارج به پول اندک سوسیال زندگی خود را می گزرانید ده هزار دالر معاش تادیه گردد.

عده یی از متخصصین افغان که به امید خدمت به کشور برگشتند دیدن این وضع آنان را به شدت مایوس ساخت و آنان ادعا داشتند که در رابطه با توظیف متخصصین نیز بجای متخصص واقعی و میزان درک و فهم آنان در رشتهٔ مربوط، به روابط شخصی بیشتر بها داده میشود.

اما در طویل المدت این کشور به متخصصین نیاز دارد که باید در داخل کشور تربیه گردند. سرمایه گذاری در بخش تعلیم و تربیه از نیازهای مبرم افغانستان است. اینکه شنیده می شود که بعضی ها غیر مسؤلانه از بستن پوهنتون سخن می گویند مشخص است که به اهمیت این نیاز مبرم پی نبرده اند.

سخنی چند در بارهٔ

توطئهٔ تفکیک دین از سیاست

ف- فایض

گرچه کسانی که یک برداشت و شناخت نسبی هم از دین و سیاست دارند، می دانند که دین هیچ گاه از سیاست جدا نیست بلکه سیاست یک بخشی نظام دینی است، اما با کمال تأسف بی خبری یک عده از هم میهنان حتی تحصیلکردهٔ ما از دین، باعث شده است هنوز هم این حرف های بیهوده را تکرار کند و حتی به سطح پوهنتون ها، استادان ضمن تدریس به شاگردان جوان که هنوز بهره کافی از معلومات دینی ندارند تفهیم می کنند که دین و سیاست دو پدیدهٔ از هم جدا هستند.

من در حالی که مسوولیت این مصیبت را بر دوش رژیمهای گذشته که در مورد تعمیم فهم دینی توجه نکردند، می اندازم خود افراد را هم تبرئه نمی کنم؛ زیرا انسان به صورت فردی هم مسوولیت دارد تا بداند حقیقت امر از چه قرار است.

اولاً باید گفت که دین یک کلمهٔ عمومی است و شامل همهٔ ادیان می شود، اما باید در بین ادیان هم فرق گذاشت. اصلاً این طرز تفکر در ابتدا از اروپا نشأت کرد، می دانیم که بعد از صعود حضرت عیسای مسیح به آسمان ها، دین راستین مسیحیت مورد دستبرد ارباب کلیسا قرار گرفت، که آهسته آهسته جای آن دین الهی را آرا و نظریات و خواسته های ارباب کلیسا گرفت و کلیسا هم حاکم بی رقیب بر جامعه بود و حتی سلاطین و حکومات وقت مجبور بودند بدون چون و چرا از کلیسا اطاعت کنند و دورهٔ تفتیش عقاید که یک مصیبت دیگری ص ٦





محترم پروفیسور برهان الدین ربانی حین بازگشت به وطن از سوی هزاران نفر پذیرایی شدند

محترم پروفیسور برهان الدین ربانی که چندی قبل جهت تداوی به کشور آلمان رفته بودند ساعت ۱۰ قبل از ظهر روز جمعه ۸ قوس سال روان به وطن برگشتند.

جمعی غفیر از مردم مسلمان و شماری از کارمندان عالی رتبهٔ دولتی، رهبران جهادی، شاگردان مکاتب، قوماندانان جهادی، مجاهدین و زنان به میدان هوایی به استقبال شان صف کشیده بودند و ایشان را با شور و هلهله پذیرایی نمودند.

استاد محترم با ورود در اقامتگاه شان که جمعی غفیری از مردم صف کشیده بودند و با نعره های تکبیر و شعارهای: "زنده باد سمبول وحدت ملی پروفیسور برهان الدین ربانی"، "زنده باد رهبر جهاد و مقاومت"، "مرگ بر دشمنان مردم افغانستان"، "زنده باد اسلام"، "زنده باد آزادی و استقلال" استقبال گردیدند، همچنان تعدادی از دختران شعار "صل علی محمد-رهبر ما خوش آمد" را تکرار می کردند.

بعداً، استاد ربانی طی سخنرانی کوتاهی خطاب به حاضرین گفتند:

برادران و خواهران بسیار محترم: از یکایک شما ازاینکه در ماه مبارک رمضان قبول زحمت کردید و به میدان هوایی تشریف آوردید صمیمانه اظهار شکران می کنم.

امیدوار هستیم که خداوند به برکت خون شهدای کشور مان برای همیش ملت مومن ما را در پناه رعایت خود داشته باشد و ثمرات پربار جهاد ومقاومت در حیات ملی ما برای همیش محسوس باشد .امنیت و استقرار و ثبات سیاسی که امروز به سوی آن گام بر می داریم محصول رنج های فراوان وقربانی های بی دریغ وپایمردی وثبات و استقامت دلیر مردان و شیرزنان کشور است. جوانان و مردان و فرزندان با ایمان و با احساس کشور مان در سخت ترین شرایط در برابر هرنوع تجاوز از خود ثبات و استقامت وپایمردی نشان دادند در برابر توطئه ها مبارزه کردند، با رنج ها و مشکلات پنجه نرم کردند، آواره و دربدرشدند. همهٔ این مشکلات را به خاطر دفاع از ارزش های والای دینی و انسانی، به خاطر صلح و ثبات، به خاطر امنیت، به خاطر سرکوبی نیروهای آشوبگر و تروریست که امنیت وصلح منطقه و جهان را به مخاطره انداخته بود پذیرفتند. مردم ما از خود قربانی و فداکاری بی دریغی نشان دادند. البته این همه قربانی ها و این همه فداکاری ها، بی نتیجه نخواهد ماند و عمده ترین نتایج آن شکست بسیار روشن و فضیحت باریست که دست های تجاوز وعناصر تروریست در افغانستان با آن روبرو شدند. اما، رسالت و مسوولیت ملی و دینی مردم ما به پایان نرسیده، هنوز فاصله یی درازی در پیش داریم، هنوز مدوجذرهای زیادی در انتظار است، همهٔ ما، همهٔ مردم ما به خاطر حفظ دستاورد های جهاد، به خاطر تأمین امنیت، ثبات سیاسی، استقلال و آزادی، باید همه احساس مسوولیت بکنیم وما یقین داریم که ملت افغانستان، ملت آزادهٔ افغانستان، مسوولیت های بزرگ ملی و دینی خود را هرگز فراموش نمی کنند، در شرایط کنونی که ما به امنیت نیازی مبرم داریم به ثبات سیاسی ضرورت فوق العاده ای احساس می شود، به وحدت ملی ، به یک پارچه گی، به دوباره بازسازی کشور ویران مان، به خاطر استحکام استقلال و آزادی ملی مان، به عنوان یک رسالت و یک مسوولیت دینی، رسالت تاریخی همه است که با هم دست به دست یکدیگر بدهیم تا رسیدن به آرمان های والای مان، فعالیت ها، همبستگی ها، کار و تلاش مان ادامه یابد.

یکبار دیگر از همهٔ شما و از همه برادران و خواهران که زحمت کشیدند، و به این جا آمدند باز هم صمیمانه تشکر می کنم.

والسلام علیکم ورحمت الله

بعد از ختم سخنرانی استاد، حاضرین با سردادن نعره های تکبیر وشعارها او را بدرقه نمودند.

استاد با آن که در این سفر بیشتر به کار تداوی خود می پرداختند نشست ها و سخنانی با دسته هایی از مهاجران

کشور، در این جا و آن جای اروپا نیز داشتند که ما به بخشهایی از آنها در شماره های آینده هفته نامهٔ مجاهد اشارتهایی خواهیم داشت.

حکومت برای مردم یا مردم برای حکومت

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

در درازای تاریخ زندگی آدمی و دوران های مختلف حیات سیاسی جوامع انسانی به صورت عام به دو گونه رژیم حکومتی بر می خوریم که تحت عنوان حکومت های مردم مداروحکومت های فردی ازآن هانام می برند.

تجربه های برخاسته از مرارت ها و تلخی های حاکمیت های خود کامه اکثریت نظر یه پر دازان عرصه های سیاسی را به این باور رساند که بر حکومت های فردی چلیپا کشند و حکومت هایی را عنوان نمایند که برارادہ توده های مردم و افکار عمومی استوار باشد.

با این پیش زمینه لازم می دانیم نگرانی حلقه های چیز فهم و علاقمند به قضایای ملی و سرنوشت نظام سیاسی کنونی افغانستان را – که یگانه دست آورد ارزشمند لویه جرگه اضطراری به حساب می رود– پیرامون خبری مبنی بر توظیف" کمیسیون تسوید طرز العمل ایجاد ملی جرگه" به بررسی بگیریم که از طریق رسانه های خبری داخلی وخارجی به نشر رسیده است.

در لویه جرگه اضطراری پا فشاری قاطبهٔ نمایندگان مردم بعد از انتخاب رئیس اداره انتقالی اسلامی افغانستان، این بود که باید پارلمانی از میان نمایندگان منتخب مردم تشکیل گردد؛ تا از بروز هر گونه استبداد فردی و گروهی جلوگیری به عمل آید که با اسف فراوان تا کنون نشانی از آن به چشم نمی رسد، و زمینه ساز آن شده است که آن همه امید های انگیزنده مشارکت در انتخابات به یأس مبدل شود و زمزمه "ای بسا آرزو که خاک شده"درفضای سیاسی وطن طنین اندازشود.

پخش این خبر همه ذهن ها و زبان ها را به حرکت واداشت که در این راستا می توان به نکات ذیل اشاره کرد:

اولاً: در پایه گذاری یک نظام مردم مدار و دموکراسی مبتنی بر افکار عمومی – که همان نگرش ها، ارزش ها و باور های عموم مردم است- تفکیک قوا یکی از ارکان مهم دموکراسی بوده که هدف اساسی آن ، جلوگیری از ظهور استبداد و تمرکز انحصار قدرت و یا به بیان دیگر تضمین آزادی بوده و لازمه اش نظارت بریکدیگر و ایجاد تعادل در میان آن ها ست.

پارلمان یا قوه تقنینیه که یکی از این قوا به حساب می رود به حیث قلب تپنده در نظام های مدعی مردم سالاری است. بناءً طرح شعار های مشارکت سیاسی ، مسوولیت پذیری مقام ها ی حکومتی و پاسخگویی آنان از تصامیم و عملکرد های شان بدون از پارلمان به حیث یک قوه استیضاح گر چیزی است که نه دردمردم رامداوامی کند و نه قناعت جامعه سیاسی ما را– که به گفته ارسطو انسان موجودی است سیاسی – فراهم

به باور ما طرح شعار های یا دشده بدون وجود پارلمان، افزون بر آن که خنده به ریش دموکراسی و بازی به خواست های بر حق نمایند گان منتخب در لویه جرگه و پازدن به امید های مردم باشد چیزی دیگر نبوده و نیز دموکراسی اجتماعی را که ضامن رفاه اجتماعی و ایجاد یک دولت رفاهی است به چالش می گیرد.

گذشته از همه آنچه گفته شد موافقتنامه بن که قانون اساسی ۱۳۴۳ (جز فصل خاص آن) به حیث اساس قانونی نظام شناخته شده است موارد زیادی از جمله نشر و چاپ بانک نوت جدید را از صلاحیت های شورا می داند.

اهمال در این امر اگر از یکطرف عدم توجه به قانونمندی نظام را مورد سوال قرا ر می دهد از جانب دیگر موجب آن خواهد شد که در میان اقشار مختلف مردم قانون گرایی مورد سوال قرار گیرد و انارشیزم حاکم گردد واعتبار مردم نسبت به دولت مردان نظام کمرنگ شود.

در روشنائی آنچه گفته آمد ، ایجاد جرگه ملی به جای ولسی جرگه که به حیث یک واژه کلیدی در عرف سیاسی جامعه افغانی ما مطرح است فاقد آن ظرفیت میباشد که توقعات مردم به ویژه علاقمندان به سرنوشت نظام را بر اورده سازد و زمینه ساز بر قراری یک جامعه مأمون وشگوفا گردد. ازجانبی هم این جرگه ملی به جای آن که کفه اراده مردم بر اراده حکومت را سنگین نماید ، موجب برتری اراده حکومت بر مردم است که این میدانی است برای شعار مردم برای حکومت.

فلسفه وجودی منطق تکونی پارلمان ها که جلوگیری از حکومت های خود کامه است و پاسخ خواهی از متصدیان امور کشور هرگز نمی تواند در همچو جرگه ها تبلور یابد.

آخرین چیزی که در این راستا باید به آن توجه شود همانا ترکیب این کمیسیون است طوریکه با تعدادی از اعضای آن مردم آشنایی دارند، آن ها نه تنها فاقد نظر در تسوید طرزالعمل ند که خود نیازمند فرا گیری درس دراین زمینه می باشند.

حافظ

عید آمد و دلها برخاست

روزه یک سو شد وعید آمد ودل هابرخاست
می به خمخانه به جوش آمد ومی باید خواست!
نوبت زهد فروشان گرانجان بگذشت
وقت شادی وطرب کردن رندان برخاست
چه ملامت بود آن را که چوما باده خورد؟
این نه عیب است برعاشق رندونه خطاست
باده نوشی که دراو روی وریائی نبود
بهتر از زهد فروشی که در او روی وریاست
چه شودگر من وتویک دوقدح باده خوریم؟
باده ازخون رزان است نه ازخون شماست
این نه عیب است کزآن عیب خلل خواهدبود
وربود نیز چه شد؟- مردم بی عیب کجاست
مانه یاران ریائیم وحریفان نفاق
آن که اوعالم سر است بر این حال گواست
فرض ایزد بگذاریم و به کس بدنکنیم
و آنچه گوییم روانیست نگوییم رواست
حافظ ازعشق خط وخال توسرگردان است
همچو پرکار ، ولی نقطهٔ دل پا برجاست

رباعی

عید است و دلم خانه ویرانه، بیا
این خانه تکاندیم زبیگانه، بیا
یک ماه تمام مهمانت بودیم
یک روز به مهمانی این خانه بیا

قیصر امین پور

استاد ادبیار زرینگر

جان جهان

سخنی در پیوند مولانا وشمس

پرده بردارای حیات جان وجان افزای من
غمگسار وهمنشین و مونس شبهای من
ای شنیده وقت وبی وقت ازوجودم ناله ها
ای فگنده آتشی درجملهٔ اجزای من
درصدای کوه افتد بانگ من چون بشنوی
جفت گردد بانگ که با نعره وهیهای من
ای زهر نقشی توپاک وای زجان ها پاکتر
صورتت نی، لیک مقناطیس صورتهای من
(از غزلیات شمس)

شکوه جاویدانهء زندگی را باید در چشم انداز روشن عرفان نگریست، از همین روند، جرقه ها ایجاد گردیده، حقیقت به ظهور می آید؛ چشمه ساران دل جوشیدن می گیرند و باغستان حیات، سبزینه و گل اندود می شوند. در این وادی، دیدنی ها، جلوه یی از نور دارند. مرد می باید تا از آن فیضی برگیرد و بهره یی بردارد. این "شمس" بود، که گوشه های مکتوم اندیشهء "مولوی بلخ" را روشنی بخشید.

سکوت درونی اش را به هم زد و جان خاموشش را به نوا در آورد. از تنگنای محدودهء "من" بیرونش نمود و در فراخنای گستردهء "ما" به شناخت حقیقت های ناشناخته، شناسایش گردانید.

آنچه را که مولوی با گفت و زبان می جُست، از راه "دل" دید و با "جان جهانش" بدست آورد. گوشه ها را گذاشت و بیشه را در نوردید. رهنورد و پویا و جوینده شد. آتشی در خانهء جانش شعله ور گردید و زبانهء آن، خواستهای بی بنیاد زندگی بی پایه را از پا بر انداخت. ارزش زندگی را در جوهر وجود یافت و با روشنی معرفت، به شناسایی راستین رسید. از خود بیگانه و خود شناس گردید. در یک نگاه، جهانی به بزرگی "حقایق" می نگریست. او "جلال حقیقت" را در سراپردهء پرنیانیی رازها به مشاهده می گرفت که جهان ظاهر، پرتو کوچکی از آن بیش نیست. رمز جان را در صفای دل می دید و "دل" را دریای تا پیدا کران کاینات می یافت.

به قُله ها رو می آورد؛ ستیغ ها را زیر پا می آورد، تا این که چکاد نشین و اوجگرا شد. دیگر، دید زمینی نداشت؛ ظواهر پوسیدهء زندگی را رها کرده بود و از تفکر قشری اهل زمان دوری می گزید.

صحبت نا به همجنسان را مایهء تباهی روح می انگاشت. چون "دیو جانس" آگاه مرد دنیای باستانی، چراغی در دست، روز هنگام به جستجوی گم گشته اش می گشت؛ تا مطلوب حقیقی خود را، در میان دیگران بیابد؛ جایی ناکجاست! ...چرا که با ملالت خاطر از "دیو و دد" در پی پیدایی "انسان" بود – انسانی که آرزوی دید و شناخت را در سر می پروراند.

"مولوی"، با این دید و این شناخت، آوایی بود نهانی، که با یک تکان، جهانی را به شور می آورد.

او به یک نگاه، دیرینه دفتری را به هم زد و دفتری از نو، بنیاد نهاد. آنچه را که از این دست، به دست میدهد، همگی از یمن وجود "شمس" است. اگر "شمس" نمی بود، "جلال الدین محمد" کجا و این همه صدای به غایت رسای دل که پژواک آن تا هنوز هم، در جهان بیکران زندگی در پیچیده است و همین سان، تا بیکرانه های گسترده و درازای تا پیدای حیات انسانی انسانها، درخواهد پیچید.

به سخن دیگر، اگر جلال الدین محمدی هم، در پهنهء گیتی قد بر نمی افراخت، "شمس" نیز به شناخت نمی آمد.

این شناسایی دو جانبه، پایهء یک واقعیت، در دو وجود است؛ که بیانگر حقیقتی از سنخ یک شناخت می باشد.

با این "شناخت"، مولوی با بعد دیگری نیز، در جهان به شناخت آمد، که هرکسی در زمینهء شناخت وی، به شناسایی تازه یی دست می یازد.

معرفت ارزشی است که در نهان گاه جان آدم ها راه می یابد، و هر جانی هم مستعد پذیرش معرفت نمی تواند بود. آن، "جان های شیران خدا است" که ودیعه یی بدان سترگی را، در خود پذیرا می شوند.

به گفتهء مولوی: "آدمی را عقل وجان دیگر است".

اگر "عقل و جانی" در کار نباشد، سخن از "آدمیت" گفتن چه مبنایی خواهد داشت؟

معرفت، شناخت خود است و رسیدن به حقیقت. همین که دل روشنی یافت و جان پذیرای شناخت گردید، جلوه یی از "حق" تابیدن می گیرد و خاشاک خواست های بهیمی زدوده می شود. آنگاه نور راستین رونموده و اشراق دست می دهد. با چنین تابشی، "آدمیت" متجلی می گردد و "حقیقت چهره می نماید.

اگر نهاد، پالوده از آلودگی نباشد، هیچگاهی، به روشنی نمی توان رسید. این جان های مستعد اند که چون چشم انداز نور، جهان حقیقت را از دیدگاه منور آنها به نگرش می گیریم، تا در روشنی همه جاگیر شان، اندک فیضی بیابیم.

در یک سخن، "عرفان مولانا" بیشتر از این چه باشد، که جهانی را با همه ابعادش، از بی خودی به خود آورده و دید نوینی، به جویندگان راه حقیقت می بخشد.

با همان سترگی مقام والای مولانا عرفان بالنده و پرشکوه وی نیز، عظیم و بلند مرتبت و اوج گیر و فرازنده، بر چکاد جان ها و دل ها راه می یابد.

هرجا که "دلی" باشد، پرتوی از نور "مثنوی" هم در آن می توان دید.

شعر موج نو

محمد اسحاق فایز

بخش پنجم

شعر موج نو به آن دسته از شعرهایی اطلاق می گردد که نه تنها دارای وزن (وزن عروضی و وزن نیمایی) نیستندو از قافیه نیز در آن خبری نیست، بلکه آن ایقاع وکلام آهنگین که در شعر سپید (شعر منثور یا شاملویی) دیده می شود در آن به صورت قطع دیده نمی شود.

شعر موج نو از لحاظ کاربرد زبان ساده و بی تکلف وبی پیرایه است. شاعر موج نو هر چند از تشبیهات ودیگر صنایع ادبی در شعر کار می گیرد ولی تا آنجا که دیده می شود "موج نو" بی بهره از هرگونه خلاقیت و هنرمندی می باشد.

توجه باید کرد که شعر موج نو بر اساس شکل بیان و گرایش های صوری نام گزاری شده اند.

شعر موج نو را با نثر از وجه زبان شعری آن می توان تمیز کرد چه شاعر این شیوه می کوشد به کمک زبان شعری، ارائه مطلب و نحوهء بیان و با کمک تخیل شعری سخن بگوید و در نوشتن از همان اسلوب و روشی که در شعر های آزاد نیمایی وسپید "شاملویی" کار می گرفت یعنی شیوهء نردبانی قرار گرفتن مصراع ها استفاده می کند.

یکی از ویژه گی های مشخص وبارز "شعر موج نو" کاربرد زبان روزمره و معمولی در شعر، دشواری و تعقید آن می باشد.

سرایندهء شعر موج نو می کوشد با منطق غیر نثری وبا به بکار گیری تشبیهات ، استعارات و تعابیر نوین شعر خود را ارایه کند.

ارایه مفاهیم و شعایر جدید یا تعقیدات لفظی و با دشواریها از یکسو از طرفداران شعر موج نو کاسته است (خوانندهء شعر موج نو) و از سویی دیگر به پنداشت اینکه زیر هم قرار دادن هرگونه کلام منثور با بریدگی های کوتاه و دراز می تواند شعر محسوب گردد تعداد زیادی را به کار شاعری کشاند و به این ترتیب وجه و اعتبار شعر نو را آسیب پذیر ساختند.

شعر موج نو امروز در حوزه ادبیات زبان فارسی- دری تنها طرفدارانی در ایران دارد. ملاحظه و مطالعه شعر معاصر افغانستان نشان میدهد که در این شیوه در افغانستان به ندرت شاعران ما داد سخن داده اند ولی در شیوه های آزاد و سپید تعداد زیادی از شاعران معین در افغانستان شعر سروده اند و اثاری از خود آفریده اند. اینک توجه کنید به نمونهء یک پارچه شعر به شیوهء "موج نو" از احمد رضا احمدی:

قلب تو

قلب تو هوارا گرم کرد
در هوای گرم
عشق ما تعارف پذیر بود و
قناعت به نگاه در چاه آب

●●●

مردم که در گرما
از باران آمدند
گفتی از اتاق بروند
چراغ بگذارند
من تو را دوست دارم

●●●

ای تو
ای تو عادل
تو عادلانه غزل را
در خواب
در ظرف های شکسته
تنها نمی گذاری
در اطراف انفجار
یک شاخهء له شدهء انگور است
قضاوت فقط از توست

●●●

شاخهء ابریشم راازچهره ات برمی دارم
گفتم از توست
گفتی: نه باد آورده است.

●●●

هنگام که در طنز خاکستری زمستان
زمین را تازیانه می زدی
خون شقایق از پوستم بر زمین ریخت

مزار سوخته

لطیف ناظمی

من آن ستارهء دنباله دار سوخته ام
درخت باغچهء بی بهار سوخته ام
زنسل جنگل آتش گرفتهء دودم
من ان شقایق خونین بهار سوخته ام
درون پر آتش و بیرون چو غنچه خنده به لب
حریف صوفی شب زنده دار سوخته ام
مرا فگند به خواری به هر دیار که خواست
به چنگ باد قضا، مشت خوار سوخته ام
کنار لاشهء مرداب خستهء بی ماه
سکوت ماسهٔ دریا کنار سوخته ام
زبان حال من اینجا کسی نمی داند
که خط کوفی بی اعتبار سوخته ام
زمن طراوت ایام رفته را بو کن
که داغ سوختهء روزگار سوخته ام
گرفتم اینکه بران آشیانه برگشتم
چراغ سوخته یی بر مزار سوخته ام

ثسیر محمد موفق

تکالیف، آداب وفواید رمضان

رمضان آن ماه متبرک و پرفضیلتی است کـه قـران کـریم در همین ماه نـازل گردیده است.

الله جلت عظمته مـی فرماید:

"ماه رمضان آن است کـه درآن قـرآن فروفرستاده شـده است"

رسول الله صلی الله علیه وسلم مـی فـرماید: روزه سپرو وسیله نجات از دوزخ است.

برای این کـه روزه ات مفید و بـه نـزد حق سبحانه و تعالی قبول گـردد ایـن دساتیر را رعایت نما:

۱-بـر نماز مواظبت و پـایداری کن، جای تاسف است کـه اگـر در این مـورد اهمال وغفلت نمایی، زیرا نماز ستون دین و از بزرگترین شعایر اسلامی است، زنهار از ترک نماز کـه ترک آن بیم کفر است.

۲-خوش اخلاق بوده، از بد رفتاری و دشنام واهانت بـه دین دوری جسته و جدا پرهیز نما، زیرا روزه گرفته ای ، وروزه دار نـباید لا ابالی و بد اخلاق باشد.

از کفر متنفر باش زیرا کفر یقیناً ترا از دایره اسلام بیرون می سازد.

۴-بـه سخنان بیهوده اگرچه مـزاح باشد گـوش فـرامده ودهن بـه آن میالای، چه روزه ات بی فروغ وکیفیتش از بین می رود.

آن حضرت صلی الله علیه و سـلم میفرماید: "هـرگاه یکی از شما روزه دار باشد دشنام ندهد و صدا بلند نکند، و اگر کسی اورا دشنام داد و یا با او جنگ کرد بگوید که: من روزه دارم، من روزه دارم.

۵-از دخانیات پرهیز کن، بهترین موقع بـرای تـرک دخانیات ماه مبارک رمضان است. یکبار خودرا بیازمای و در مورد تصمیم قاطع بگیر. اضراری کـه ازا ین رهگذر عـاید می شود نهایت شدید و غیر قابل جبران است، باور باید نمود کـه معتادین دیر یازود بـه زخم معده و امراض سرطانی مبتلا می شوند. خود داری از دخانیات بـه هزینه مالی ات کمک و صحتت را وقایه خواهد کرد.

۶-دروقت افطار در صرف غـذا اسراف وزیاده روی مکن کـه روزه ات بـی فایده و صحتت خلل خواهد دید.

۷-بـه سینما نـرو واز تماشای برنامه های نادرست و ضد اخلاقی تلویزیون خود داری کن، درغیر ان روزه ات بی فروغ و اخلاقت فاسد خواهد شد.

۸-از بیدار خوابی بـر حذر باش تـادر وقت سحری ونماز بامداد استوار باشی.

۹-در اعطای صدقات بـر فقرا ونیازمندان و خویشاوندان و کسان حریص بوده لحظه یـی در نـگ منما، وحقداران خویش را دقیقاً زیارت کن.

۱۰-قـران را تـلاوت وتدبـر نموده وبـه مفاهیمش عمل کـن، سپس بـه سوی مسجد بشتاب تـا از حلقات در سی آن نیز مستفید شوی.

۱۱-ازرساله هـا ونوشته هایی کـه درباره روزه واحکام و فلسفه ان نوشته شده است، استفاده اعظمی ببر.

۱۲-بـرروزه ات مواظب باش وفرزندت را نیز هر چند کـه می تواند براین شیوه عادت بده.

۱۳-بـی موجب روزه ات را مشکن و اگر عذری پیدا شد کـه روزه نگیری، آشکار مخور ، زیرا ایـن عمل منجر بـه هتک حرمت رمضان مـی گـردد و تحقیر شعایر اسلامی تلقی می شود.

باید دانست کـه عید از آن روزه داران است و کسیکه روزه ندارد عـید هـم نخواهد داشت، زیرا ایـن خوشی آن شکرانه یی خواهد بـود کـه مسلمان در قبال انجام ماموریتش ابراز می دارد.

آداب روزه:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

"درسحری کردن برکت است" رمز ایـن است که روزه دار نیرومند و نشیط گـردیده و روزه بروی دشوار نمی گذرد.

در سحری نمودن غـذا کـم و بیش بی تفاوت است، بـا غـذای کـم هـم اجرسحری را در خواهد یافت .

رسول الله صلی الله علیه وسلم مـی فرماید: "در سحری کـردن برکت است، و آن را از دست ندهید، واگر یک جرعه آب هم بیاشامید کفایت خواهد نمود ، و متقین باشید کـه خـدا وملائکـه اش بـر سحری کنند گان درود مـی فرستند."

عجله در افطاری:

وقتیکه آفتاب نشست مستحب آن است کـه زود تـر افطار شود.

پیامبر صلی الله علیه و سلم مـی فرماید: "همیشه مردم در دین شان بخیراند مادامیکه در افطار عجله نمایند."

افطار باخرما شـود واگرخرما نـبود از آب استفاده شـود، در خوردن خرما عـدد طاق بهتر است. افطار پیش از نماز مغرب صورت گیرد، البته بعد از نماز مغرب بـا دل جمع وبه قدر حاجت خوردن و آشامیدن می تواند.

در صورتیکه طعام حاضر باشد قبل از نماز شام نیز صرف نموده مـی تواند، در ایـن صورت نماز را کمی به تا خیر می اندازد.

آن حضرت صلی الله علیه وسلم مـی فـرماید: "اگـر نـان شب از پیش آماده بود پیش از ادای نماز غـذا را صـرف نمایید."

دعای افطار:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در وقت افطار ایـن دعا را مـی خوا ندند: "اللهم إنی لک صمت وعلی زرقک أفطرت" ترجمه : خدایا! بـرای تـو روزه گرفته ام و بـررزق وروزی کـه ارزانی داشته ای افطار مـی نمایم. دراین وقت دعـای کسی رد نمـی شـود و هـر چیزیکه مـی خواهـد بـه فضل و کـرم الهـی برآورده می شود.

پیامبر صلی الله علیه وسلم مـی فـرماید: "سه طایفه است که دعای شان رد نمی شود: انسان مظلوم، پادشاه عادل وکسیکه افطار ننموده باشد."

روزه بهترین عبادتی است کـه انسان بـه آن تقـرب مـی جوید، علت مشروعیتش ایـن است تـا نفس اصلاح و بـه عادات نیک متجلی شود.

بایست سخاوت نمود، لیکن در رمضان بیشتر و سریع تر.

ابـن عباس رضی الله عنه، مـی گوید: "پیامبر سخاوتمند ترین همـه مـردمان بـود، ودررمضان ایـن سخاوت بیشتر مـی شد. جبرئیل هـر شب بـاوی دیدار مـی کـرد و قـران را بـا او تکرار مـی نمود، رسول الله صلی الله علیه وسلم در توزیع مال از بادی کـه مـی وزد هم بخشنده تر بود.

استفاده از مسواک:

در رمضان بـاید بسیار مسواک نمود، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان مسواک می زدند.

قـران کـریم بـاید بیشتر تـلاوت و تکرار شود، اگـرچه تـلاوت در غیر رمضان نیز مطلوب است ، مگـر در رمضان ثواب بیشتر دارد.

متوجه باشید کـه شش روز ماه شوال فراموش نشود.

پیامبر صلی الله علیه وسلم مـی فرماید: "هرکه رمضان را روزه گـیرد و متعاقباً شش روز شـوال را نیز بـر روزه اش پیوست نماید مانند آن است که همیشه روزه داشته است."

چـه خداوند در مقابل هـر نیکی کـه خالصانه باشد دست کـم ده برابر پاداش مـی دهـد کـه بـه ایـن شکل روزه یک ماه ، ده ماه و روزه شش روز، دو ماه محاسبه و جمعاً یک سال می شود.

روزه فواید زیادی دارد کـه اینک برخی از آنها ذکر مـی شود:

معده را تصفیه ودستگاه ها ضمه را فعال مـی سازد، چون معده از اثـر فعالیت مداوم خسته مـی شود، ایـن حالت از وی بـر طرف و مواد فاضله اش متلاشی، واز نو نیرومی گیرد.

روزه بسیاری امراض را درمان می کند.

روزه نفس را اصلاح نموده بـه صبر واطاعت و نظم و اراستگی عادت می دهد.

از جوانب مثبت روزه یکی هـم ایـن است کـه در روزه دار احساس عالی اخوت پدید می آید،زیـرا یـاهم روزه مـی گیرند ودر بـرهه معین افطار مـی نمایند کـه بـه ایـن ترتیب از وضع برادران گرسنه اش آگاه و آنهارا مورد تفقد و دلجویی قـرار مـی دهـد. در اخیر از خداوند جل جلاله استدعا می کنم کـه طاعات و عبادات مارا بـا همـه نـا رسایی هـا قبول نموده وبـه شاهراه خیرو فلاح هدایت نماید.

پیوسته به گذشته

جهانی شدن

حلقه وصل "پایان تاریخ" و "جنگ تمدن ها"

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

ایـن دعوتگر بـرایش گفت: تـو نیکبختی را از راه بدکارگی مـی طلبی، زن در پاسخ بـه او گفت: راه خوشبختی کدام است؟

آن دعوتگر در پاسخ بـه او گفت: خوشبختی تـو در آن است کـه تـو همسری باشی بـرای مرد محترمی و مـادری باشی بـرای پسری که آن را در آغوش خـود پـرورش دهـی وگـل سرسبدی باشی در خانـه شوهر و پسرت.

آن زن گـریه کـنان فـریاد زد و گفت: فراخوانی بـه ایـن چیزها را بگذار!

و بـه یادم مده انسانیتم را کـه او را وداع می گویم.

بگذار مـن را کـه در ایـن رؤیای دیوزدگی بـه سـر بـرم و مـن زن شقاوت سیری هستم. "هانتنگتون" بـه ایـن گروه یـاد آور مـی شود، حقیقتی کـه بربنیاد آن، بـا شما معامله مـی کنم ایـن است که باید دیـن و فرهنگ آن را از چشم انداز تمـدن مـا بـا پشتوانه دینـی و فرهنگی آن بنگرید، و ایـن حقیقتی است کـه دهـه هـای زیـادی در جهت دفـن و بگـور سـپردن آن تـلاش نمودند، تـا شخصیت هـای آنـان و هویت هـای جوامـع آنـان را موافـق بگونـه هـای غربگرایی و نوگرایی در بیاورند؛ تـا مـا به الامتیاز جوامع غیر غربی از جامعـه غربی را ذوب نمایند، جامعه ای کـه بـه پندار غربیان، نمایانگـر تمدنـی است جهانـی بـا ارزش هایی کـه دارد، نـه تمدن منحصـر بـه منطقه و ملت ویژه ای.

طالع بد فرهنگیانی از ایـن گونه بـود کـه در پـی رایش و صدور ایـن نحوه نگرش، تراژدی بوسنی هرزه گویین بوقوع پیوست، ایـن تراژدی در دیار، از لابلای اظهارات و موضیعگیری هـای مسؤولان غربی بـه روشنی نشانداد کـه طرز دیدی از ایـن طراز نمایانگر بینش و نگرش فردی و شخصی نبوده بلکه نگرشی است در سطح یک حرکت تمدنی -نـه روح حاکم نزد همـه کسانیکه شناسنامه غربی داشته و از تبار غربیان انـد- و تـا کنون گذشت زمان هـم صدق نظر "هانتنگتون را بخوانش گرفته است.

او در کتاب خویش کـه ایـن طرز بینش را متبلور ساخته است، تاکید ورزیده کـه شایان پیمان ناتو است تـا بیک نیروی قهار غربی مسیحی بـه خاطر پاسداری از حاکمیت غـرب و تامین منافع آن در همـه گوشه های جهان تحول یابد.

در پـی همیـن سپارش هانتنگتون بـود کـه گردهمایی پیمان نـاتو در واشنگتن تحت عنوان "ایدیولوژی استراتیژیکی و راهبردی کشورهای پیمان" اعلان کـردکه ازحق مداخله نـزده کشور عضـو ایـن پیمان در هـر نقطـه، از جهان بـه استثنای جنوب شرق آسیا، پاسداری می نماید.

فشرده آنکـه "ساموئیل هانتنگتون" بعد از میشل فوکـو، باردیگر ثابت کـرد کـه در تصورات تاریخگـرایانه و واقعگـریانه خویش راست گوتـر و صادقتر از فرهنگیان بوالهوس ما انـد کـه بـا دفن حقایق گویا و عـریان، در دنیای اوهام بـه سر می برند.

نـباید جهانی شدن را چون تنازلی از غـرب تلقی کـرد کـه آماده است داشته هـای دیگران را بپذیرد، جهانـی شـدن، حرکتی است در راستای تحمیل خواسته هـای غرب بر دیگران.

در اخـیر بـی جـا نخواهد بـود بـه کـتاب بنجامین بربـر کـه در سال ۱۹۹۵ م. تحت عـنوان "جهاد در برابر فرزند جهان" نشر گـردیده است، اشاره ای رود موصوف در کـتاب خویش بـه ایـن باور است که: "کشمکش هـای جهانی عنقریب، بـر محور تـنش هـا میان ارزش محلی و ارزش هـای جهانی شدن، بـه گونـه بیشتری چرخ خواهد زد"(۴) :

۱-ایـن نظریه در مجلـه "امـور بیگانگان" در سال ۱۹۹۴ بـه نشر رسیده است کـه مجلات عربـی به اقتباس از آن بـه تـرجمه آن دست یـازیده انـد. "هانتنگتون" یهـودی تبار امریکایی است در نقش مدیر انستیتوت جـان اولیـن در دانشگاه هاروارد امریکایی، کاوکند.

۲-ایـن نظریه در مجلـه "الحرس الوطنی" شماره هـای ۱۹۴-۱۹۵ بـه نشررسیده است.

۳-بـه نقـل از مقالـه دکتور فـواد زکریا در روزنامه های قاهره.

۴-مجلـه الـثقافه العالمـیه شماره نومبر ۱۹۹۷ صفحه ۳۳.

ادامه دارد

د ملي اردو د جوړولو بهیرته یوه کتنه

ع، وطندار

درنو لوستونکو د مجاهد په دریمه ګڼه کي مو د "دملي اردو دجوړولو بهیر ته یوه کتنه" تر سر لیك لاندې مضمون خپور کړئ وچي د تخنیکي معاذیرو له کبله له یو څه اشتباهاتو سره خپور شوي وُ دادي دا مضمون یو ځل بیا خپرېږي.

د افغانستان د ملي اردو د جوړولو بهیر ډیري ستونزي په مخ کي لري. که څه هم دا، تر ډیره حده یوه تخصصي موضوع ده او په ترکیب او تخنیکي اړخونوي مسلکي او متخصص منصبوال ښه پوهیږي، خو په عمومي توګه د ملي اردو د جوړښت په باب هر دفکر او نظر خاوند، خپل نظر څرګندولای شي.

د افغانستان د ملي اردو د جوړښت او ترکیب مسالي ته ځکه ډیرپام په کار دي چي د افغانستان د تیري څلرویشت کلني غمیزي په تیره چي کمونیستي رژیم د ملیشه یي ځواکونو را منځ ته کولو ته اقدام وکړ. د اردو نورو قطعاتو او جزوتامونو خپل ماهیت له لاسه ورکړ، خویوشمیر دغرض بهرنیو لاسونو هم د افغانستان د هغي کمزوري اردو په له منځه وړلو کي خپل نقش ولوباوه.

افغانستان دي ته جدي اړتیا لري چي په رښتیني معنا ملي اردو جوړه کړي او په دي توګه خپل پایښت، سیاسي ثبات، ځمکني بشپړتیا، ملي واکمني او سیاسي خپلواکي تضمین پالو عناصرو په لاس کي ورنه کړاي شي، ښایي په بیرنیو حالاتو کي پردغسي عناصرو اعتماد وکړاي شي؛ خو باید هیر نه کړو چي باید دهغو مستقبل دهغوي د ماضي دکړووړو په هنداره کي وجاجولای شي.

دغسي افراد هر وخت دیو څه امتیازاتو په بدل کي سازش ته چمتو کیدلای شي، چي ډیر ښه مثال یي سردار محمد داوود خان دي، نوموړي دکمونیستانو په وسیله کودتا وکړه، له یو څه استثناآتو پرته یي خپله کابینه له همدغو عناصرو غوره کړي په دي معنا چي افراد دي دمکلفیت ددوري پراساس جلب کړاي شي، که څه هم چي داکار داوس لپاره یوڅه ستونزي لري. باید مهاجرین هیوادته راستانه شي،یا راستانه کړاي شي او همدارنګه باید دنړیوالو بي پري سازمانونو په مرسته او دهغوي ترنظارت لاندي یوه بي پري سرشمیرنه ترسره کړاي شي او دا سر شمیرنه باید له هرډول سیاسي غرضونونه خوندي وساتل شي، خو بیا به هم دا اصل د ملي اردو په جوړولو کي ډیره مرسته وکړاي شي او تاداو د افغانستان په اردو کي دیو شمیر پلورل شویو عناصرو په لاس کینبودل شو، او دا خطر په راتلونکي کي هم وجودلرلای شي. که چیري په دي برخه کي له اغماض او تساهل نه کار واخستل شو: نو د راتلونکو تراژیدیو پړه به دهغو کسانو پرغاړه وي چي لوټه په اوبوکي کښیږدي او پري تیریږي، یوازي په افغانستان کي نه بلکي په ټو له نړي کي د اردو له اهمیت نه سترګي نه شي پټیدلای او دهیوادنو سیاسي ثبات تر ډیره پوري دسالمو اردوګانود منت مرهون ګانه شي.

که څه هم چي د خلق او پرچم کمونیستي ډلو په خپل وخت کي د افغانستان د ملي اردو ماهیت بدل کړ او کړي: خو په عمومي توګه د ملي اردو په جوړولو کي دلاندي ټکو رعایت ضرور بریښي:

۱-کله چي وایو "ملي اردو" نو په دي ترکیب کي باید د "ملي" کلمي ریښتیني تعریف په پام کي ونیول شي. یعني دملي اردو په ترکیب کي ددرست ملت حقوق او حضور په پام کي ونیول شي او اردو دځانګړو قومي، ژبنیو، سمتي، سیاسي او ډله ییزو تمایلاتونه خوندي وساتلاي شي، که چیري دملي اردو په جوړولوکي دا اصل رعایت نه شي، اردو به "ملي" نه؛ بلکي یو اړخیزه وي او هره شیبه دهیواد سیاسي ثبات ګواښلي شي او یوي نارامي ته زمینه برابرولاي شي.

۲-ملي اردو باید دپردي جوړه کړه، او ډیر واړه کسان یي دوزارتونو پرکرسیو کښینول چي وروسته بیا همدغو کسانو دهغه د اقتدار تخت رانسکور کړ او نوموړي یي دهغه دکورني دترشلو زیاتو غړوسره وواژه.

۳_ باید پردین او وطن مین منصبوال ټول راوغوښتل شي او دملي اردو په جوړولو کي دهغوي له حضور، پوهي او تجاربونه کار واخستل شي.

۴- عامو مجاهدینو ته چي په ملي اردو کي دشمولیت ورتیا لري لنډ مهالي (قصیر المدت) کورسونه جوړ کړاي شي او په دي توګه باید اردو دملي توب ترڅنګ د اسلامي توب نه هم برخمنه وي.

ځکه اسلامي روحیه داردو یوه حتمي اړتیا ده.

۵- زموږ ملي اردو باید پرداسي بهرني ځواك متکي نه وي چي په راتلونکي کي موږ ته تري خطر متصور وي.

۶- دعسکري قطعاتو په تشکیل کي دي ملیشه یي اصلونه مات کړاي شي، دبیلګي په توګه که دیوي قطعي قوماندان دیوه سمت او یوي ډلي سړي وي، په کار دي چي لاندي افرادیي نور څوك وي، همداسي دي افراد (عسکر یا سرباز) دیوي سیمي، یوي ډلي او یا یوه قوم کسان نه وي او مختلط قطعات دي جوړ کړاي شي.

۷- دملي اردو اساس باید په داسي توګه کینبودل شي چي په کرار کرار دپخواني عنعنوي اردو ښه زموږ دملي یووالي دساتلوضامن به وي.

۸-دملي اردو په جوړولو کي دي، هم دهیواد اقتصادي وړتیا په پام کي ونیولای شي او هم دا ضرورت چي افغانستان نن له پوځي پلوه دځواکمنو ګاونډیانو ترمنځ راګیردي: صحیح ده چي افغانستان خو تل له ګاونډیانو سره په سوله کي ژوند کړي خو له پوځي پلوه باید دومره وي چي څوك یي په کورنیو چارو کي ګوتي و نه وهلاي شي.

دتیر څلرویشت کلن بحران پر وخت ځینو ګاونډیو هیوادو له سرحد نه د افغانستان د ننه پلوه پښي اوږ دي کړي دي او په ځینو برخو کي یي د افغانستان خاوره لاندي کړي ده. دایوه جدي موضوع ده او یوه مستقله لیکنه غواړي او په کار دي چي دافغانستان انتقالي اسلامي دولت د سرحدونو دچارو او اړوندو ولایاتو په مرسته ددي مسالي پلټنه او پوښتنه وکړي. خو داچي زموږ بحث پر اردو دي نو په دي برخه کي د اردو اهمیت جوت دي. که چیري موږ په دغه دوران کي یوه منظمه ملي اردو درلودلاي ښایي داکار هیڅا هم نه واي کړاي. نو پردي اساس که چیري موږ دخپل اقتصادي وس په پام کي نیولو سره یوه نسبتاً کوچني یا متوسطه اردو هم ولرو، خو باید پیاوړي اردو وي. چي اساس یي باید همدا اوس کینبودل شي

توطئهٔ تفکیک دین ...

بود بر سر افراد جامعه. کلیسا درست در برابر علم و دانش علم مخالفت بر افراشت، چنانچه مشهور است که در همین دوره باری بر سر شمار دندانهای اسپ نزاع بزرگی برخاست، وقتی مرد دانشمندی پیشنهاد کرد که این مسأله اصلاً قابل نزاع نیست لطفاً یک اسپ را بیاورید و دندانهایش را بر شمرید، آن مرد با این پیشنهاد فوراً محکوم و تکفیر گردید، هکذا گالیله را نسبت اینکه به گردش زمین اعتقاد پیدا کرده بود، محاکمه نمودند و از اینگونه مثالهای مضحک در مورد این دوره فراوان است.

چون بار کلیسا که از دین مسیحیت نمایندگی می کرد دیگر بر سر شانه های حکومات و افراد جامعه گرانی کرد، در برابر کلیسا قیام کردند و به اینگونه دین را از سیاست جدا نمودند؛ دین را در کلیسا محصور ساختند و به این ترتیب جامعه در بیرون از کلیسا به سوی لبرالیزم و سیکولریزم رو آورد و این مسأله تا هنوز هم ادامه دارد و این دو مسأله اساس دموکراسی غرب را تشکیل می دهد که جامعه را کاملاً از قیود ارزش های دینی و اخلاقی آزاد ساخته است، اما بی خبر از آنکه انسان هیچگاه نمی تواند آزادی مطلق داشته باشد، بلکه مکلف است در محدوده یک سلسله قوانین زندگی کند.

اما اگر اسلام را درست مطالعه کنیم، در می یابیم که فورمول جدایی دین از سیاست هیچگاه در مورد آن صادق نیست. اسلام یک نظام است، یک نظام کامل الهی که شامل تمام بخش های زندگی اجتماعی می شود، اسلام از خود نظام سیاسی دارد. نظام اقتصادی دارد، نظام اجتماعی دارد، نظام تربیوی دارد، نظام عسکری دارد، نظام قضایی و عدلی دارد، نظام اخلاقی و روحانی دارد و امثال آن.

اسلام یگانه دینی است که حتی به سطح رفتن به قضای حاجت، زنا شویی، حرف زدن، راه رفتن و امثال آن برای انسان هدایاتی دارد که سایتس وطب امروزی نیز قدم به قدم برهدایات اسلام صحه می گذارد، اسلام فقط چند دعا و عبادت محض نیست که باید در مسجد یا بیرون مسجد ادا شود، بلکه اسلام در هر قدم با جامعهٔ انسانی سروکار دارد، از رعایت حقوق همسایه گرفته تا عیادت مریضان و امثال آن همه با جامعهٔ انسانی سروکار دارد و از همین جهت است که در پهلوی عبادات یک بخش عمدهٔ اسلام را معاملات تشکیل می دهد و حتی عبادات در اسلام نیز هر کدام یک جنبهٔ عمدهٔ اجتماعی دارد. اگر اسلام حکم می کند که باید نماز های پنجگانه را با جماعت خواند این خود یک فلسفهٔ بزرگ اجتماعی دارد، یعنی روزانه پنج بار مردم محل یک دیگر خود را می بینند و از احوال یک دیگر آگاهی حاصل می کنند، اگر روزه است از یک طرف تزکیه نفس است که این خود بر وضعیت جامعه اثر فوق العاده مثبت دارد، و از طرف دیگر خبر شدن از حالت مستمندان است، علاوه بر آن طب امروزی فواید بی شمار روزه را ثابت ساخته است. به همین ترتیب زکات از یک طرف جلو سرمایه داری در جامعهٔ اسلامی را می گیرد و از طرف دیگر بر بهتر شدن وضعیت فقیران و نا داران اثر مثبت می گذارد. هکذا حج یک کنگره جهانی مسلمانان است که علاوه از فلسفهٔ عبادی یک فلسفه بزرگ اجتماعی و سیاسی دارد.

هکذا اسلام به ما می آموزاند که چگونه امام و مقتدا و رهبر جامعهٔ خود را انتخاب کنیم، چه کسی می تواند در این امر سهم بگیرد و چه کسی با داشتن چه مواصفاتی می تواند رهبری جامعه را بر دوش بگیرد، هکذا مسوولیت امور دولتی به چه کسانی سپرده شود و این همه سیاست است. به همین ترتیب اگر قوانین غربی با فقه اسلامی مقایسه شود، دیده می شود که غرب خیلی چیزها را از اسلام گرفته است و قوت، فوقیت و بهتری قوانین اسلام بر قوانین غیر اسلامی به خصوص غرب کاملاً آشکار است.

سیاست خود به معنای رعیت داری و مردم داری است. پس این نظریه که دین و سیاست دو پدیدهٔ از هم جد است یک نظریه کاملاً غیر علمی، دور از حقیقت و حرف کسانی است که نه از دین آگاهی دارند و نه هم از سیاست. بناً بنده به جوانان خود به خصوص به جوانان پوهنتون خود توصیهٔ برادرانه می کنم که یک بار جوانان ما به علت بی خبری از دین به دام سوسیالیزم و کمونیزم افتادند و اینک حقیقت آن را دریافتند، نشود که این بار به اثر بی اطلاعی از دانش دینی به کام کدام نظریهٔ بیگانهٔ دیگری بیفتند که هم برای فردای خودشان و هم فردای جامعهٔ افغانی زیان آور خواهد بود، بناً در سهمگیری در فعالیت های سیاسی و گزینش اندیشه های سیاسی عجله نکنند، باید با سفه صدر، حوصله مندی و استفاده از تجارب تلخ گذشتهٔ سیاسی کشور، اولاً به حیث یک فرد مسلمان، یک عضو خانوادهٔ مسلمان و عضو یک جامعه، ملت و امت اسلامی خود را مکلف بدانند که دانش دینی را فرا گیرند. باید مطالعه کنند وخود را آگاه سازند و اگر خدای نخواسته غفلت کردند و از نظر دانش دینی خالی الذهن ماندند، در این شکی نیست که راه انحراف خواهند پیمود و عاقبت اسفباری خواهند داشت. بنده مسوولیت وزارتخانه های معارف و تحصیلات عالی را هم در این بخش خیلی زیاد می دانم. باید درنصاب تعلیمی مکاتب وپوهنتونها به تربیهٔ دینی کودکان وجوانان ما توجه لازم صورت بگیرد، و اگرکودکان وجوانان ما تنها به رحم و کرم یورش فرهنگ اجنبی و غیر اسلامی سپرده شوند فجایع بزرگی در انتظار جامعهٔ ما خواهد بود، چنانچه چندی قبل یکی از نشریه ها به حواله گزارش موثق طب عدلی در چهار مورد از زنا با محارم اطلاع داد که در جامعهٔ افغانی امری کاملاً بی سابقه بوده است، اگر بی توجهی شود، فکر کنیدکه بازچه طوفانهاخانه های مارا ویران خواهد ساخت.

متن پیام پروفیسور برهان الدین ربانی ...

اما آنچه که به خود ما مربوط است سعی باید کرد صلح و امنیت استحکا م یابد، و وحدت ملی قوت بگیرد، وبحرن بی اعتمادی خاتمه یابد ، که تلاش های ملی در جهت بازسازی به سطح دولتی ومردمی ما توجه جدی مبذول شود.

در اخیر با تجدید صمیمانه ترین تبریکات عیدبه همه هموطنان دیندار از خداوند توانا به دست دعا نیازمندم طاعات و عبادات صیام و قیام و راز ونیاز ملت ما را در ماه مبارک رمضان مقبول در گاه خود قرار بدهد و به همه، ما توفیق عنایت فرماید تا با الهام از این ماه مبارک، ماه تقوی و طهارت، ماه مواسات و رحمت، ماه صبرو استقامت ماه اخوت و برادری، ماه همکاری و تعاون و همبستگی ویکدلی بر فضای حیات ملی و اجتماعی و سیاسی ما حاکم گردد.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته
پروفیسور برهان الدین ربانی

صدقه فطر

احکام و فلسفه

نوشتهٔ عبدالحفیظ همام / با استفاده از فقه السنه سید سابق

احکام صدقه فطر

زکات(صدقه) فطر : صدقه یی است که به واسطه افطار رمضان واجب می گردد. وجوب آن برهمه، کودک وبزرگ، زن مرد وبرده وآزادشامل می شود. بخاری و مسلم از ابن عمر رضی الله عنها روایت می کنند که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم زکات فطر رمضان را یک پیمانه از خرما ویاجو بر برده و آزاد و مرد وزن و کودک و بزرگ مسلمانان فرض نموده است.

فلسفه صدقه فطر

زکات (صدقه) فطر در ماه شعبان سال دوم هجرت مشروع گردید تا این که سببی باشد برای پاکی وطهارت روزه دار از لغو و بیهوده گویی و دشنام که ممکن است ازان در خلال روزه صادر گردیده باشد وهمچنان مساعدتی باشد برای فقراء و محتاجین.

ابو داوود و ابن ماجه و دار قطنی از ابن عباس رضی الله عنه روایت می نمایند که گفت:" رسول الله صلی الله علیه وسلم زکات فطر را فرض گردانید تا سبب پاکی روزه دار از بیهود گی و حرف زشت وتدارک غذایی برای مساکین باشد، هرکه آن را قبل از نماز ادا نماید آن صدقه یی است قبول شده و اما اگر بعد از نماز ادا نماید به گونه صدقه یی از صدقات خواهد بود.

برچه کسی صدقه فطرواجب است؟

صدقه فطر برفرد مسلمان آزاد که مالک یک پیمانه باشد، و بیشتر از یک شب و یک روز خوراک خود و خانواده خویش را داشته باشد، بر خود وی و افرادی که نفقه ایشان بروی لازم است مانند همسر، فرزندان وخدمتگارانی که متولی امور ایشان می باشد از سوی آنان بر وی لازم می گردد.

اندازه صدقه فطر

اندازه واجب در صدقه فطر، یک پیمانه از گندم، کشمش، پنیر، برنج، جواری و یا چیزی همانند آن که حیثیت خوراک راداشته باشد.

امام ابوحنیفه دادن قیمت را جایز دانسته وگفته است؛ هرگاه زکات دهنده گندم بدهد، نصف پیمانه کفایت می نماید.

وقت وجوب

فقهاء اتفاق دارند که صدقه فطر در آخر رمضان واجب می گردد، واما در تعیین وقت وجوب آن اختلاف دارند.

ثوری ، احمد، اسحاق وشافعی در قول جدیدش و مالک دریک روایت وقت وجوب صدقه فطر را وقت غروب آفتاب بیگاه عید فطر می رانند ، چون آن وقت آخرین وقت فطر رمضان می باشد ابو حنیفه، لیث، شافعی در قول قدیم و مالک در روا یت دوم وقت وجوب آن را طلوع فجر روز عید می دانند .

نتیجه این اختلاف در قسمت نوزادیکه قبل از فجر روز عید و بعد ازغروب آفتاب، به دنیا می آید می تواند تحقق یابد که آیا صدقه فطر بروی واجب است ویا خیر؟ بنابه قول اول بروی واجب نمی گردد، چون بعداز وقت وجوب به دنیا آمده و اما بنابه قول دوم بروی واجب می گردد چون قبل از وقت وجوب تولد گردیده است.

پرداختن صدقه فطرقبل از وقت وجوب

جمهور فقها برآنند که شتاب درپرداختن صدقه فطر یک روز و یا دو روز قبل از عید جایز است. ابن عمر رضی الله عنه می گوید: " رسول الله صلی الله علیه وسلم مارا هدایت داد که زکات فطر، قبل از خروج مردم به نماز (عید) اداء شود.

نافع می گوید: ابن عمر یک و یا دوروز قبل از عید آنرا اداء می نمود. اما در بیشتر از آن، فقهاء اختلاف دارند.

امام ابوحنیفه ادای آن را پیش از ماه رمضان و امام شافعی تقدیم آن تا اول ماه رمضان را جایز می داند.

امامان متفق القول اند بر این که صدقه فطر به علت تأخیر از وقت وجوب، از گردن ساقط نمی گردد، بلکه دینی است به دوش شخص تا آن که آن را هر چند تا آخر عمر هم باشد، اداء نماید.

ایشان اتفاق نظر دارند که به تعویق گذاشتن صدقهٔ فطر به بعد ازروزعید جواز ندارد.

موارد مصرف

مستحق صدقه فطر همان اصناف هشتگانه از مردم است که درآیهٔ " إنما الصدقات للفقراء" تذکر رفته است و فقراء مستحق ترین گروه هشتگانه در این آیت است که در حدیثی پیشتر ازآن یاد گردید " رسول الله صلی الله علیه وسلم صدقه فطر را به منظور پاکیزگی روزه دار از بیهودگی ودشنام و تهیه غذا به مساکین فرض گردانیده است.

زهری و ابوحنیفه و محمد و ابن شبرمه، دادن صدقه فطر را برای أهل ذمه(غیر مسلمانان) جایز می دانند، نظر به این آیت مبارک میگویند که " لاینهاکم الله عن الذين لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم أن تبروهم و تقسطوا إلیهم إن الله یحب المقسطین". (خداوند شمارا منع نمی نماید ازاین که احسان و عدالت نمایید در برابر آنانی که با شما به خاطر دین نجنگیده اند و شما را از خانه های تان بیرون نرانده اند یقیناً خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.)

دموکراسی منهای ...

مهمترین مسؤولیت حکومت انتقالی همین است که به زودی به رفع این نقیصه بنیادین بپردازد، اما فرمان رئیس دولت آقای حامد کرزی مبنی بر تعیین کمیسیونی جهت تسوید طرز العمل تشکیل ملی جرگه آن هم پس از شش ماه ازعمر حکومت هجده ماهه اش کاری را در این راستا از پیش نخواهد برد.

ما به این باوریم که کوتاه ترین راه برای تشکیل شورای ملی انتخاب اعضای آن از میان نمایندگان لویه جرگه اضطراری به تناسب شمار نمایندگان هر ولایت است، که می شود آنان را به گونهٔ انتخاباتی ویا برای آسان کردن کار برپایهٔ داشتن بیشترین رای برگزید. اما باید شورای ملی از میان اعضای انتخابی لویه جرگه ونه اعضای انتصابی آن تشکیل گردد.

کمیسیون تسوید طرز العمل تشکیل ملی جرگه مورد نظر افزون بر کار ساز نبودنش خود دارای اشکالاتی است ؛ در میان اعضای آن کسانیٔ دیده می شوند که نه تنها از مسایل حقوقی و سیاسی آگاهی ندارند که از نعمت سواد لازم هم بهره مند نیستند که بهتر است به جای عضویت در این مجمع کارشناسانه حقوقی به کلاسهای سواد آموزی برده شوند ، خاصه در نظامی که اساس کارش برپایه تخصص و تکنوکراسی نهاده شده است.

افزون بر این ها که گفته آمد شورای مورد نظرکنونی یک شورای مشورتی خواهد بود و نه یک شورای ملزم و اثر گذار و ناظر برکارنامه های دولت ودولتمردان که این نیز منافی ابتدایی ترین ارزشهای نظام دموکراسی است. شورای مشورتی هرگز جایگاه قوهٔ مقننه را که یکی از نهادهای سه گانه مستقل دموکراسی است، ندارد و در برخی از نظام های خود کامه و استبدادی جهت موجه نشان دادن کارنامه های دولت به عنوان یک ملعبه از آن استفاده شده است، و چنین ساختاری هیچ گاهی شایسته یک نظام دموکراتیک نیست.

مسایل و احکام عید

نماز عیدین (عید فطر و عید قربان) در سال اول هجرت مشروع گردید نماز عید واجب است. و پیامبر صلی الله علیه وسلم برآن مواظبت ورزیده اند ومرد وزن را هدایت داده اند که برادای آن برآیند.

استحباب غسل واستعمال خوشبویی وپوشیدن زیباترین لباس

جعفر بن محمد از پدرش از جدش روایت می نماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم در هر عید پتو(چادر) یمنی را به تن میکردند واز حسن سبط روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را امر فرمود که بهترین لباس را که به دست میاوریم بپوشیم و بهترین خوشبویی را که به دست میآوریم استعمال نماییم و گرانبها ترین قربانی را به دست می آوریم ذبح نماییم.

خوردن پیش از برآمدن برای نماز عید فطر

قبل از خروج به نماز عید فطر خوردن چند خرما به گونه سنت می باشد و اما در عید اضحی سنت آن است که بعد از نماز ودر صورتیکه قربانی داشته باشد، باگوشت قربانی افطار نماید.

از بریده روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم به نماز فطرتا نمی خوردند بیرون نمی شدند و در عید قربان پس از ادای نماز عید می خوردند.

ابن قدامه میگوید: در ستحباب خوردن پیش از نماز روز عید فطر اختلافی را سراغ نداریم .

شرکت زن وکودکان در نماز عید

خروج اطفال وزنان در عید بدون فرق میان پیر وجوان، بیوه ودختر و حایض وغیرحایض جایز است، به د لیل حدیث ام عطیه که گفت: فرمان داده شده ایم که دختران جوان و زنان حایض را در ایام عیدین بیرون بکشیم تا شاهد خیر و دعای مسلمانان باشند واما زنان حایض از محل بر گزاری نماز خودرا کناره می گیرند.

وقت نماز عید

وقت نماز عید از بلند شدن آفتاب به اندازه سه متر تا هنگام زوال آن میباشد به دلیل حدیث که احمد از جندب روایت کرده است: پیامبر صلی الله علیه وسلم با ما نماز فطر را اداء می کردند در حالی که آفتاب به اندازه دو رمح (۶متر) بالا می بود و نماز اضحی را در حالیکه یک رمح (سه متر) بالا می بود ادا می کرد.

شوکانی می گوید: بهترین دلیل در وقت تعیین نماز عیدین همین حدیث است، ودر حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم شتاب در ادای نماز عید اضحی و تأخیر در نماز عید فطر، مستحب خوانده شده است.

آذان واقامه

ابن قیم می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم آن گاه که به ساحه نماز می رسیدند، بدون آذان و اقامه و بدون گفتن " الصلاةُ جامعةٌ" (نماز برپا ست) شروع مینمودند، و سنت آن است که هیچ یک ازاین چیز در بر پایی نماز عید هاصورت نگیرد .

تکبیر در نماز عید

نمازعید دو رکعت است، در رکعت اول در مذهب حنفی پس از تکبیر تحریمه و پیش از قرائت سه تکبیر گفته می شود و در رکعت دوم سه تکبیر پس از قرائت اما در مذاهب دیگر اهل سنت در رکعت اول هفت تکبیر بعد از تکبیر احرام می گویند، و در دومی پنج تکبیر غیر از تکبیر قیام، با بالا کردن دست ها در هر تکبیر.

خطبه نماز عید

خطبه خواندن بعد از نماز عید واجب است و همچنان استماع آن نیز واجب میباشد از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت: هرگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز عید فطر واضحی به میدان نماز بیرون می شدند، و اولین چیزیکه آغاز می نمودند نماز بود، بعد ازآن در برابرمردم در حالی که در صفوف شان نشسته بودند، می ایستادند و ایشانرا موعظه وتوصیه و امر می فرمودند.

پرداختن به بازی و سرگرمی و سرود خوانی در ایام عید

بازی مباح، سرگرمی بی آلایش و سرود خوانی نظیف از شعایر دین است که خدای تبارک و تعالی درروزعید آنرا به منظورپرورش و تفریح جسم وروح انسان مشروع ساخته است.

أنس می گوید: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه آمدند، اهل مدینه در دو روز به بازی می پرداختند، و آن حضرت گفتند: " خدای تعالی این دو روز را به بهتر ازان تبدیل کرد که آن دو روز عید فطر و اضحی است". عایشه رضی الله عنها میگوید: حبشی ها نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز عید بازی میکردند، من از فرازشانه ایشان به آنها می نگریستم ایشان هردوشانه شان را برای من پایین نمودند تا آن که من از فراز آن ایشان را تا حد سیری تماشا کردم چنان که خود منصرف شدم. همچنان از عایشه روایت کرده اند که گفت: ابوبکر در روزعید بر ما وارد شد و در پیش ما دودختر وجود داشته که روز بعاث را یاد میکردند ، (روزیکه بزرگان اوس وخزرج در آن کشته شدند) ابوبکر خطاب به آنان سه بار گفت: ای بندگان خدا آیا مزامیرشیطان را باز می گویید. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: "ای ابوبکر هر قومی از خود عیدی دارند و امروز عید ماست". و در روایت بخاری، عایشه گفت است: رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد ما آمد و نزد من دو دختری بودکه سرود بعاث را می سرودند، و به پهلو بر فرش نشسته رویش را (بطرف ما) گردانید، سپس ابوبکر داخل گردید، ومرا دور کرد وگفت: آیا سرود شیطانی را در نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم می سرایید ، پیامبر صلی الله علیه وسلم به وی روی گردانید وگفت: " آن دورا بگذار"...

وروز عید بود که حبشیان با سپرو نیزه باز ی می کردند، بازمن از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدم ویاایشان خود گفتند : " علاقمند هستی که تماشا کنی ؟ "

گفتم: بلی مرا درعقب خویش را ست نمود که رخسارم به رخسارش قرار داشت و به باز یگران می گفت: " درنگ کنید تا اینکه خسته شدم و فرمود: " برایت کافی است" گفتم: بلی، فرمود: "برو"

حافظ در فتح میگوید، ابن السراج از طریق ابی الرناد از عروه از عایشه رضی الله عنها روایت نموده که آن حضرت صلی الله علیه وسلم در آن روز فرمود: "یهود مدینه باید بدانند که در دین ما فراخی و جود دارد. یقیناً من به دین حقی که در آن فراخی ونرمش وجود دارد مبعوث شده ام.

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره پنجم دوشنبه ۱۱ قوس ۱۳۸۱ - ۲۷ رمضان المبارک ۱۴۲۳ - ۲ December ۲۰۰۲

وزیر امور داخله:

اندیشه های وارداتی بیگانه را نبایددر جامعه راه داد

صبح روز پنجشنبه مورخ ۴ قوس سال جاری، بخش ترکی رادیوی نیروهای بین المللی حفظ صلح (ایساف)، مصاحبهٔ کوتاهی با آقای تاج محمد وردگ وزیر امور داخله دولت انتقالی اسلامی افغانستان انجام داده بود، که اینک نظر به اهمیت سخنان ایشان منحیث یکی از گردانده گان امور دولت انتقالی و نیز دست اندر کار وضع سیاسی کشور، که در سالهای اخیر ضمن اشتراک در کنفرانس ها و تقبل رنج سفرهایی، خواهان ایفای نقش در تعیین سرنوشت کشور و مردم آن بوده اند، سودمند بوده نظریات شان در این برههٔ حساس که قانون اساسی در شرف تدوین می باشد، تا اعضای محترم کمیسیون تدوین قانون اساسی نیز به آن عطف توجه نمایند، در این جا نقل می نماییم.

آقای وردگ ضمن شرح دوستی دیرینهٔ دو ملت افغان وترک به داشتن وجوه مشترک دینی و مذهبی این دو ملت که خود عامل همکاری متقابل میان شان می تواند باشد، اشاره نموده افزود: ما باید به خاطر حفظ هویت ملی خود در حفظ اسلام 'اصیل' خود بکوشیم و نگذاریم اندیشه های بیگانه و وارداتی که در هر زمان به ضرر ما بوده است، هویت ما را که با اسلام گره خورده است، خدشه دارسازد.

ملت های ما مردمان آزادیخواهی هستند و همواره در راه حفظ آزادی و شرف شان جانفشانی نموده اند که باید به دیده قدر به آنان نگریست.

ما تازه می خواهیم بعد از دور تجاوزات بیگانه گان و جنگ ها وارد مرحلهٔ نوینی در مسیر تمدن شویم که امنیت و دموکراسی لازمهٔ آن می باشد، ما در حالیکه به همکاری متقابل و نقل تجارب جوامع دوست ضرورت داریم. در راه پیاده شدن دموکراسی در کشور خود چند نکته را نباید از نظر دور داشته باشیم که دموکراسی کاپی شده از غرب راه معقول حل مشکلات جامعهٔ ما نیست، زیرا در دموکراسی غرب بعضی موارد منافی اخلاق نیز جایز شمرده شده است که در صورت راه یافتن به جامعهٔ ما ایجاد عکس العمل خواهد کرد. از اینرو نباید آنها در جامعهٔ ما راه یابند. ما خواهان یک دموکراسی برمبنای حفظ ارزشهای ملی و اسلامی در جامعهٔ خود می باشیم.

در اخیر آقای وردگ به امید روزی که مردم افغانستان نیز مانند ملت ترک خود را یک ملت دانسته از این مرحلهٔ قوم گرایی وگروه گرایی و اختلافات لسانی به دور شوند، به مصاحبهٔ خود پایان بخشید.



طرح نظریات واقعبینانه و برخاسته از تجارب تلخ تاریخ که در همین قرن جاری خورشیدی کاپی نمودن نظریات وارداتی بیگانه ملت ما را چند بار به خاک وخون کشانید. در همچو شرایطی که می خواهیم برای کشور وثیقه ملی بسازیم، امری است ضروری، زیرا هستند کسانی که خواهان بریدن با همهٔ ریشه های تاریخی و اجتماعی بوده اند و می خواهند یک شبه راه صد ساله بیگانگی را بپیمایند و اولیای امور باید بدانند چنین نه تنها محال است که دستاوردی جز خسران وتباهی نخواهد داشت.

از نامه های آمده

به حال مردم نجراب رحم کنید

در دامنه های جنوبی هندوکش، در مضافات ولایت کاپیسا منطقه کوهستانی و کم زمینی به نام نجراب موقعیت دارد، مردم نجراب، اکثر به علت کمی زمین و ضعف اقتصادی و به دست آوردن لقمه نانی به کابل ودیگر شهرها رو می آورند.

شاید نجراب از اولین مراکز قیام بر ضد حکومت های دست نشانده کمونیستی و اشغالگران روسی و پنجابی به شمار رود، مردم بیچاره نجراب سال های جانسوزوایمان افروز جهاد را با پایمردی و جانفشانی سپری نمودند و درمقابل سلطه طالب نمایان مزدور نیز تا پای جان به مقاومت پرداختند.

بعد از پایان سلطه ظالمانه طالبان مردم نجراب امید داشتند که دیگر دستان ظلم و ستم از ایشان کوتاه خواهد گردید، از همین رو با اداره موقت اعلان همکاری نمودند و به تعقیب آن به لویه جرگه نماینده فرستادند و بدین ترتیب در تشکیل و حمایت از دولت انتقالی اسلامی سهم گرفتند.

هنوز تازه مردم به پیشواز تشکیل دولت انتقالی اسلامی خوابهای خوش می دیدند که جرقه های ظلم و وحشت تفنگداران بقایای ملیشه های رژیم های قبلی تعبیری و حسنتاکی به ایشان ارائه داد و داستان با قتل قوماندان غند ۹۸۷ آغاز گردید که در کیفر آن برادر قوماندان مقتول بر علاوه مثله نمودن قاتل ۸ تن از اعضای فامیل وی را به شمول زنان و حتی یک کودک دوساله را در حالی به قتل رسانید که در مرکز حکومت همگان دم از حاکمیت قانون و دادرسی به مظلوم می زدند، ودرآن خانواده دیگر کسی زنده نماند که دادش را اولیای اموربشنوند.

شبها به خیمه های کوچی ها دستبرد زدن، به سرقت بردن اموال و مواشی آنان وحتی درد آور ترین جنایات نا گفتنی را در حق ایشان مرتکب شدن، از بازاریان نجراب به نامهای ته جایی و... 'جزیه' گرفتن کار هر روز این افراد به شمار می رود، حتی مردم به چشم سر اموال مسروقه خودرا درمعرض بیع وشرا دیده اند اما ازترس جان لب به هم دوخته اند و اشک حسرت ریخته اند و داد خودرا به در گاه پروردگار به التجا نشسته اند، زیرا در دولت انتقالی اسلامی کسانی هستند که همیشه از ملیشه های نجراب به دفاع برخاسته اند.

دراین اواخر افراد این غند قومی بر علاوه لت و کوب افراد رعیت، دست به لت و کوب و به زندان افگندن معاریف و مجاهدین نیز زده اند که حتی رئیس ارکان و معاون غند نیز در پاداش جانبداری از مردم مظلوم نجراب طعم تلخ لت و کوب را چشیده اند.

اخیراً روزها بازار نجراب از ترس تصادم میان مردم و نیرو های غند ۹۸۷ باز نمی شود، زیرا دیگرمردم نجراب از مظالم این غند به ستوه آمده واینک خواستند از طریق مطبوعات آوازخودرا به گوش آقای کرزی و دیگر مسوولین امور برسانند تا با فرستادن هیأتی بی غرض به داد خواهی مردم این ولسوالی از نظر افتاده برسند زیرا دیگر مردم بیچاره نجراب تاب این مظالم را ندارند، و راهی جز تصادم میان مردم و این تفنگداران نماند است.

گروهی از مردم نجراب

دگروال راجر کینگ سخنگوی قوماندانی قوای نظامی ایالات متحدهٔ امریکا دریک کنفرانس مطبوعاتی:

برای جلوگیری از حملات طالبان والقاعده بر مراکز نظامی امریکا در افغانستان به دادن پول متوسل می شویم

مراکز نظامی نیروهای امریکایی طی هفته های اخیر مورد شدید ترین حملات راکت و سلاح های ثقیل طالبان و القاعده قرار گرفته است.

طالبان وشبکهٔ تروریسی القاعده علی الرغم پیگیری برنامه های وسیع تجسس در گوشه و کنار افغانستان که از سوی نیروهای نظامی امریکا مستقر در افغانستان راه اندازی گردیده است، هنوز هم در پی تلاش های ناکام شان می خواهند ثبات اوضاع را در افغانستان بر هم بزنند و به نحوی از انحاء، حضور نظامی شان را فعال جلوه دهند.

موصوف با اشاره به موجودیت بقایای طالبان والقاعده در مناطق جنوب و جنوب شرق افغانستان، طی هفته های اخیر، رقم حملات راکتی طالبان وشبکهٔ القاعده را علیه مراکز نظامی امریکا به ۵۲ فیر راکت تخمین زده، میگوید که بسیاری از این راکت ها در نزدیکی های مراکز نظامی امریکا اصابت نموده است.

آقای راجرکینگ علاوه نمود که این حملات هر چند تلفات جانی نداشته است، اما خسارات زیادی را در پی داشته است؛ چنانچه در یکی از مراکز نظامی دو لاری پر از مهمات آتش گرفته و کاملاً تخریب گردیده است.

سخنگوی قوماندانی نیروهای امریکایی همچنان از حملات شدید طالبان والقاعده در شهر گردیز خبر داد که طی آن، مراکز نظامی امریکا مورد حملات ماشیندار ثقیل قرار گرفته و نیروهای امریکایی در پاسخ به این حملات به حملهٔ متقابل پرداخته و مناطقی را که ازآنجا علیه نیروهای امریکایی حمله صورت گرفته، شدیداً بمباردمان نموده اند.

آقای راجرکینگ به ادامه گفت: نیروهای طالبان و القاعده به منظور تسریع حملات شان علیه مراکز نظامی امریکا از خانه های مسکونی استفاده می نمایند که این عمل آنان، حملات متقابل نیروهای امریکایی را با مشکل روبرو می سازد.

وی همچنان تصریح داشت که نیروهای کوماندوی ایالات متحدهٔ امریکا به ساعت ۷ صبح روز سه شنبهٔ گذشته در حالی که یک ساحهٔ مشکوک در جلال آباد را مورد تجسس قرار می دادند با یک کمین رو برو شدند؛ اما دشمن قبل از انجام حملات فرار نمود که متعاقباً نیروهای ما از طیارات بمب افگن استفاده نموده و محلات مظنون در آن منطقه را بمباردمان نمودند. وی افزود نیروهای ما بعد از تجسس وردیابی طالبان از بسیاری محلاتی که در آن طالبان والقاعده جابجا شده بودند پا به فرار گذاشته بودند، اسناد حزب اسلامی را به دست آورده اند.

آقای راجرکینگ در رابطه به راه های جلوگیری از حملات طالبان والقاعده بر مراکز نظامی امریکا گفت: نیروهای نظامی ما حالا به پرداخت پول به آن مردمانی متوسل گردیده اند که ظن آن می رود در محلات آنان طالبان و دیپوهای مهمات آنان وجود دارد تا با نیروهای امریکایی همکاری نمایند که از این طریق از ادامهٔ حملات طالبان والقاعده جلو گیری به عمل آید.

موصوف با اشاره به این که تا کنون در این راستا چه اقدامات عملی را انجام داده اند، گفت: بهترین مسألی که می توان از آن نام برد، توزیع مقدار پنج هزار دالر به مردم محل در ولسوالی کوهصافی ولایت کاپیسا می باشد که خوشبختانه همکاری مردم در کشف دیپوهای اسلحه و مهمات دشمن اثر گذار بود وعلی الرغم آن که حملات دشمن طی هفته های اخیر افزایش یافته است؛ اما آغاز این پروسه، امیدواری های را در زمینه جلوگیری و کاهش حملات راکتی دشمن به وجود آورده است.

پروژه شهرک سبز...

سید عبدالمقدم یکتن از مسوولان موسسه بازسازی و خدماتی کشور در مورد مشخصات این پروژه به خبرنگار هفته نامه مجاهد گفت: این پروژه در منطقه ده سبز در ۱۵ کیلو متری مرکز شهر و یک- کیلومتری جاده کابل — بگرام قرار دارد. کار مقدماتی آن یک ماه قبل آغاز گردیده است که در مدت دو الی سه سال پروژه اول به پایه اکمال خواهد رسید.

در بخش اول این شهرک برای یکهزار و یکصد خانواده منازل رهایشی توزیع خواهد گردید. این شهرک به شکل اپارتمان های ۴ منزله و ۲ منزله اعمار میگرد: وموافق با عنعنات اسلامی و افغانی امکانات رهایش در نظر گرفته شده است. این شهرک علاوه از سیستم آبرسانی وتنویر دارای سیستم مرکز گرمی و استفاده از انرژی آفتاب نیز می باشد. این شهرک دارای ساختمان های مسجد، مراکز صحی، کودکستان، کتابخانه، مکتب، سینما و امور تنظیفی و امنیتی می باشد.

در پلان توسعوی این شهرک، ایجاد شهرک های دیگر در جنب آن و در نقاط دیگر اطراف کابل مد نظر می باشد که در سالهای بعد به مشکل بی سر پناهی هموطنان تا حدی پایان خواهد داد.

دزدان در لباس پولیس

شب سوم قوس سال جاری بعد از افطار تعدادی از دزدان مسلح با یونیفورم پولیس به شکل ماهرانه وارد منزل اجمل در منطقه آب رسانی قریه فاضل بیک شدند. بعد از داخل شدن به صحن حویلی همهٔ افراد مسکونی آن فامیل را در یک اتاق حبس و به تلاش خانه ها پرداختند.

اجمل که در ین اوخر از عربستان سعودی آمده و در کمپنی دکان دارد - سارقین مبلغ ۳۰۰۰۰ دالر امریکایی و ۲۵۰۰۰ روپیه پاکستانی را همراه چهار تخته قالین و زیورات با خود برده اند.